



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۲/۰۷

سید عظیم حسینی

طرح پیشنهادی جهت انکشاف اقتصادی پسا منازعه در افغانستان – قسمت سوم

پس منظر:

افغانستان با داشتن منابع بزرگ پیداور طبیعی منجمله معادن بزرگ دارای شهرت فراوان است، چنانچه طی سده های گذشته اقلام مهم صادراتی این خطه باستانی را سنگهای قیمتی مانند یاقوت، زمرد، لاجورد، آهن، مس و حتی افزار و سلاحهای جنگی و زیورات تشکیل میداد. سروی هفتاد در صد از منابع طبیعی افغانستان که از طرف اداره سروی جیو لوژیکی امریکا صورت گرفته است، اگر این سروی قرین حقیقت بوده و راز های ناگفته هنوز باقی نمانده باشد که حتمن باقیست، هزار و چهارصد محل در افغانستان به عنوان مناطقی که در آن معادن و فلزات نادر و کمیاب است تشخیص گردیده است. طوریکه بملاحظه میرسد با وجود چنین امکانات وسیع البنیاد و فرصت های بالقوه رشد و انکشاف اقتصادی منجمله معدنکاری وسیع در سراسر افغانستان، ایجاد صنایع ثقیله و خفیفه و توسعه تجارت بخصوص صادرات، مردم این سرزمین بایبکاری و فقر دست به گریبان است و شبانه باشکم گرسنه بالای غنایم شان میخوانند که عامل عمده ی آن جنگهای فرسایشی، عدم ثبات سیاسی، نبود یک نظام قانونمند اقتصادی، سوءمدیریت درکشورداری، ضعف مدیریت اقتصادی، بی تفاوتی ها و ضعف عمل کرد سکتور خصوصی بوده و دولت و سکتور خصوصی نتوانسته اند یا نخواسته اند در همکاری باهم ابتکار عمل را بخرچ داده و با طرح پروژه های بزرگ، ملت را با خود همراه ساخته با ارتقای هدفمند ارزش های معنوی، در ایجاد صنایع و باز کردن مسیر انکشاف اقتصادی کشور گامهای متین بردارند. بیست و سه سال قبل از امروز، افغانستان درگیر طوفانی شد که از قدرت، صلاحیت و امکاناتش فراتر بود و در اثر این طوفان ناخواسته، پول های باد آورده و ملیارد ها دالر از هر طرف در سرزمین افغانها باریدن گرفت و همه تصور میکردند که افغانستان با بد بختی ها و وداع نموده و خوشبختی سراسری در راه است اما در واقع علیرغم بعضی از اقدامات مثبت، این طوفان ناخواسته، تجاوز بر حریم کشور بود که بدبختی ها و ریختاندن خون هزاران هموطن بی پناه و بیگناه را در قبال داشت. این خوش باوری یک بار دیگر عملن به اثبات رسانید که آبادی یک کشور با امکانات و توسط خود مردم همان کشور میسر است و بس.

طی دو دهه اخیر علیرغم تمام نا رسائی ها، با استفاده از امکاناتی که بوجود آمد یکتعداد معدود متشبثین خیر و خبیر از سکتور خصوصی افغانستان توانستند به سکتور صنعت توجه مبذول نموده و به آن نفس تازه بخشند. آنها در احداث فابریکات متنوع در کشور سرمایه گذاری های هنگفتی نمودند که حتی در

بعضی موارد افغانستان طی همین دوره به خود کفائی رسیده و در برخی موارد نسبت عدم حمایت دولت از صنایع نوپا از یکطرف و اعمال سیاست های دمپنگ کشورهای همسایه بخصوص ایران از سوی دیگر، فابریکات به سقوط مواجه شد که تأسف بار است. لازم به تذکر است که افغانستان به همان اندازه ای که دارای چالشهای گونه گون است، همانطور از فرصت های خوبی برخوردار است، بشرطیکه بتوانیم از فرصت ها استفاده بهینه نموده و چالشها را هم به فرصت تبدیل کنیم. به هر حال باید از همین لحظه، آینده را در نظر داشت و هدف اساسی و بنیادی این طرح اعمار یک افغانستان متکی بخود و "تولید محور" یا "صنعت محور" میباشد، البته با این پیش شرط که دولت و سکتور خصوصی افغانستان در همکاری و تفاهم بسیار نزدیک کاری و عاری از فساد و جلوگیری از احیای اقتصاد سیاه و مافیائی دست بدست هم داده با بیسج مردمی در راه اندازی جهاد کبیرجهت ایجاد تغییرات بنیادی در اقتصاد و گذار افغانستان از حالت فعلی به یک مرحله جدید و تکاملی و زدودن فقر معنوی بر مبنای راهکار های علمی و ضد تبعیض که برای هر افغان مایه سربلندی و افتخار آفرین باشد اقدامات عملی را رویدست گیرند.

نقش و جایگاه سکتور خصوصی و مسئولیت های دولت در انکشاف اقتصادی کشور:

باید اذعان نمود که علیرغم موجودیت ارگانهای متعدد رهبری سکتور خصوصی مانند اتاق تجارت و سرمایه گذاری، اتاق صنعت و معدن، اتاق زراعت و اتاق تجارت زنان، انجمن های صنایع، که در دو دهه اخیر در کشور شکل گرفته، طوریکه بملاحظه میرسد، سکتور خصوصی افغانستان در کل بدون رهبری دسته جمعی بوده و تعدد ارگانها بعوض اینکه وحدت عمل بین این ارگانها را تأمین نماید، به مراکز تجزیه و افتراق سکتور خصوصی مبدل گردیده و بغیر از تلاش در جهت تأمین منافع گروهی و صنفی، در صدد ایجاد سکتور خصوصی نیرومند، منسجم، مسئول و با صلاحیت نگریدند، درحالیکه در اکثر کشورهای پیشرفته و دارای اقتصاد بزرگ که رفاهیت شهروندان شان تضمین شده است، سکتور خصوصی به عنوان نیروی محرکه ای موتور رشد اقتصادی یکی از مهم ترین عامل توسعه در بین کشورها به شمار می رود. اما این بخش اساسی در افغانستان، نسبت عواملی نتواسته است نقش و جایگاه خویش را بدست آورد. این عوامل میتواند به 2 دسته تقسیم گردد.

1) نارسائی ها و کم کاری هادر دولت که عبارت اند از

- (a) جنگ های فرسایشی و نا امنی ها؛
- (b) خشونت ها؛
- (c) کندی روند اصلاحات اقتصادی؛
- (d) فساد گسترده اداری؛
- (e) فقدان زیربنای اساسی؛
- (f) دسترسی محدود به زمین؛
- (g) عدم رشد سکتور مالی و بانک (حتی لغو بانک های زراعتی، انکشاف صنعتی، انکشاف

صادرات و بانک رهنی و تعمیراتی که در ثبات و انکشاف اقتصادی بسیار مؤثر بودند)؛

- (h) عدم بذل توجه دولت به امور مربوط به سکتور خصوصی به شکل مسئولانه و دلسوزانه، و حریف پنداشتن آن از طرف برخی افراد در دولت؛
- (i) نبود برنامه جامع و رهنمودی جهت رهنمائی سکتور خصوصی در سکتور های مختلف تولیدی جهت جذب و جلب سرمایه گذاری ها؛
- (j) تشویش بیمورد و نامرئی در مورد ارتقای توانمندی های سکتور خصوصی در آینده؛
- (k) عدم تطبیق مواد قانون اساسی نافذ در کشور به نفع سکتور خصوصی؛
- (l) پروسه های بفرنج اداری در دولت؛
- (m) از همه مهمتر عدم درک متقابل دولت و سکتور خصوصی در حل چالشها بنابر عدم موجودیت برنامه عمل مشترک؛ و در نهایت
- (n) عدم توجه به ارتقاء و گسترش ارزش های معنوی که در نتیجه تقویت فقر معنوی در جامعه را بدنبال آورده است.
- (2) نارسائی ها و کم کاری هادر سکتور خصوصی که عبارت اند از:
- (a) عدم موجودیت یک رهبری مشترک و مسئول در سکتور خصوصی؛
- (b) نبود یک آدرس با اعتبار جهت تعامل با دولت و سایر بازیگران بخش اقتصاد به شمول خارجی ها جهت تشویق به همکاری های مشترک در ساحات تولیدی؛
- (c) ترجیح منافع فردی، صنفی و گروهی بر منافع ملی؛
- (d) ضعف در درک، مراعات، و اهمیت بخشیدن به ارزش های معنوی جامعه در کل و در بخش بیزنس و تجارت بصورت اخص که با تأسف در تعمیق فقر معنوی مساعدت نموده است.
- (e) عدم مراعات شرایط تخنیکي تطبیق قرارداد ها در پروژه های خورد، میانه و بزرگ در کشور، انجام کار ها با کیفیت بسیار نازل و به جیب زدن پول بیت المال از مدرک پائین آوردن عمدی کیفیت کار که تخریب زود هنگام و قبل از وقت پروژه ها را در سراسر کشور در قبال داشته است.
- (f) عدم علاقمندی و حتی بیتفاوتی سکتور خصوصی در سرمایه گذاری ها در سکتور های صنعت، معدن، خدمات، توریسم؛ زراعت صنعتی؛
- (g) موجودیت فساد گسترده در سکتور خصوصی در راستای تطمیع کارکنان دولت به عناوین مختلف منجمله پرداخت رشوت مستقیم و غیر مستقیم بخاطر تأمین منافع شخصی و خصوصی و صربه زدن به عواید دولت؛
- (h) سعی و تلاش در انجام کار های غیر قانونی منجمله ادامه فعالیت های اقتصادی در سایه و گریز از پرداخت مالیات و محصول گمرکی به عناوین مختلف؛
- (i) نبود فرهنگ کار مشترک و گروهی بین سکتور خصوصی از طریق ایجاد شرکت های بزرگ و میانه سهامی، در حالیکه در ایجاد چنین تاسیسات دسته جمعی منطق قوی و دلایل محکمی مانند ارتقای سطح سرمایه گذاری در پروژه های بزرگ و اشتراک تعداد بیشتری از سرمایه گذاران درین پروژه ها، فراهم سازی امکانات سرمایه گذاری ها در پروژه های دیگر که زمینه انکشاف صنعتی را مساعد میسازد، کاهش

ریسک یا خطر سرمایه گذاری ها وجود دارد، نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا کند و این امر سبب شده تا سکتور خصوصی قوی، منسجم و تأثیر گذار شکل نگیرد.
(باقیدارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ